

شهرستان سمقر باید عملاً شهرستان باشد مردم انتظار اقدامات اصلاحی دارند تنها حرف کافی نیست

دستور سوانح و توابع روزمره نتایج
اکنون مدتی است ظاهراً موضوع
سفر و باجه حل شده و دولت تصمیم گرفته
است آنها را تحت سازمان یک شهرستان
اداره نماید. این فکر اگر حلی شود
بسی اگر شهرستان بودن سفر از صفا
کافه تجاوز کند و عملاً شهرستان گسرد
شاید خیلی در وجه مردم موثر بوده
و خیلی از اقدامات اساسی را میتوان
شروع نمود.

امروز شهرستان اسمی سفر دارای
یک پرک مجاز و یک مستخدم است.
این دو نفر تشکیلات بهداری این شهرستان
را که در حدود دو بیست هزار نفر جمعیت
دارد معرفی مینماید. بیارستانی چند
سال قبل بی و بزری شده و یک قسمت از
دیوارهای آن ساخته شده که تحولات
بهذاشهر بر آورده از میان برده اکنون
بیش از قدری مصالح و بیشتر چند دیوار
په خراب اثری از آن باقی نیست.
فرهنگ آنها با احتیاجات و تقاضا
های مردم هیچ متناسب نیست یک وقت
شهر سفر در چند سان قبل دارای یک
دبیرستان بود حال پیش از کلاس ششم
دستان ندارد آموزگاران و دبیرانش
هر یکی جایی رفته و فرهنگ آنها با
زحمت زیاد بصورت کج داور و مروری اداره
میشود دبستان های باجه دو سه معلم
بیش ندارد دبستانهای دهات اغلب از
میان رفته و منحل گردیده است.

بهرداری بوضع اسمی آوردن پول
و بی اعتبار جز نگهداری و نظافت یک
خیابان شهر که تنها خیابان و منحصر
بخدمت سفر است قادر بانجام کاری نیست
کارخانه برق خراب مصالح گران شهر
ویران و هزاران کثافت و بی تربیتی
نه مینماید مینماید. نه تاز و نه هیچگونه
وسيلة تفریحی نیست و اگر احیاناً چند
نفر برای صحبت و خوشی بخانه دوستی
برای مهمانی بروند بره گشتن شهر بانی
شروع و بنوان تفریح تفریحی، تفریحی اقدام
برغلاف مصالح سنگت، تفریحی تفریحی
وامثال آن پایوش دست کرده مردم
را از معاشرت با یکدیگر بیزار و
متنافس مینماید.

البته در چنین منطقه و در چنین
شهری زندگی مفرط است البته مردم
باید ناراضی باشند البته دولت مجبور
است توجه کند. امیدواریم در نتیجه

قریب دو ماه یا قدری بیشتر است
که طبق تصویب نامه دولت پیشهای
سفر و باجه و توابع تشکیل یک شهرستان
داده است.

بر سر شهرستان بودن یا نبودن
این منطقه مدتها صحبت بود و در سالهای
گذشته گاهی دولت تصویب میکرد که
که شهرستان باشد و گاهی از تصویب
خود عدول نموده آنرا مجدداً بصورت
بخش های جداگانه در میآورد.

در این تغییر زای ها وضع غیر
ثابت هیچگاه این منطقه حساس دارای
سازمان مرتب نبوده و ادارات آن به
صورت سو و بر کوچک و بی اهمیت و تحت
تصدی مأمورین کوچک و گاه فاسد اداره
میشد.

در ضمن وضع سیاسی این منطقه
و اشکال حل آن بصورتی قطعی باعث
گردیده بود که توجه بیشتر به تعیین
سرفروش اداری آن از لحاظ یک اصل
کلی مطوف میگردد و در جزئیات که
آنها بنویس خود موثر و کلی است توجهی
مطلوب نیست مگر هیچگاه جدیت نیست
مأمورینی که برای این منطقه فرستاده
میشوند از اشخاص برگزیده و متناسب
باشد قلم تقدیر شدهای را بدون هیچ
گونه دقت و تناسب باین منطقه میفرستاد
که گاهی خیلی بدتر چند نفر از آنها
خوب از آب در میآید.

این عدم توجه به ادارات آنها یک
مسئله خود مختاری و لجام گسیختگی به
وجود آورده بود که هر رئیس اداره ای
خود را فعال مینماید و از باب و آقا بالا
سر مردم میدانست و چنانچه معتقد
بزاحتت های لگرام میساخت مال دولت
خورده و برده میشد مال و حیثیت مردم
هم پایمال میگردد.

سوازی دزدی های غله و نان سفر
ارغام کلان دزدی قند و قشاق - جنایت
های دادگاه - فجاج شهریاری هر کدام
بنوبه خود داستانهای عجیب و غریب
دارد که فعلاً از آن بجنی نیکبیم.

ما در همان مواضعی که سفر در
آنجا سرگردانی مسبوخت و مردم بیچاره
آن در جنگال و جانانوران مودی در
مذاب بودند میگفتیم که دولت باید باین
منطقه توجه خاصی داشته و بجای مأمورین
کوچک از صاحبان زمین لایق و درستکار
کشوری بفرستد و پیش از این مردم را

نوشته پریشان

مسئول کیست؟

سندج امروز و سندج چند سال پیش

شهر و نویسنده کان بر خور آن میشوند
بهر طریق که ممکن است در این شهر
ناموشان جنبشی بوجود آورده و مردمان
خواب گرفته این سامان را تحت تاثیر
فریادهای مداوم خود از این خواب غر-
گوشی بیدار نمایند.

من از دور خیلی علاقمند به بینم
تاثیر این نوشته ها هست و آبا اینهمه
مجاهدت توانسته است تکالیف باین مردم
داده و آنها را متوجه بدین جنبش ها و اسارت
خود بنماید یا نه.

متاسف از اینکه خود توانسته ام
از چند سال قبل باین طرف به کردستان
مسافرت کنم و آن نظوری که خود میفرماید
با توده مردم (اقتضای نشود منسوخ حزب
نوده نیست زیرا میگویند این حزب در
سندج شبه ندارد) تماس گرفته و محیط
دوستانه و بی آرایش درد دل های آنها
را بشنوم و تفاوت های حقیقی آنها را
در یابم. ولی اگر از این نسبت مسافرت
محروم مانده ام کجاست و علاقه ام مرا
بر آن واداشته که از هر مسافر، از هر
دوست و آشنائی که بکردستان رفت و
بقیه در صفحه ۷

من هر وقت دو آن جریده میفریسه
مطالبی راجع بکردستان میخوانم و از
آنها بیکه خود از اهل کردستان (سندج)
و تا اندازه ای بروجه مردم آنها آشنا
هستم در مطالبی که بیشتر اختصاص باین
نست دارد بیشتر دتین میثوم و با یک
دینا علاقه میفرماید در لایسای جلات
نوشته های مربوط باین نست بلکه افلا
کسانی که قدری مرا به آتپ این شهر
مستطالراسم امیدوار کند بیهانکم.

آتپه من از منترجات آن جریده
شریله دریانام این است که من در روشن

بی بردن باین مطابق بوده که دولت
تصویب نامه شهرستان شدن سفر و باجه
را گذرانیده است و بخواهد با اجرای
آن در اوضاع عمومی آن منطقه تحولاتی
بوجود آورد.

شبهه میشود که دولت بنظور
تأمین اعتباری برای هزینه های فرهنگی
بهداشتی و آموزش شهر ها و اراضی وضع کرده
و متمم هم شده است علاوه بر این
هوازی که از طرف مردم پرداخت
خواهد شد خود دولت هم کمک مالی
بنماید اگر واقعا این امر محتمل داشته
باشد باید بلافاصله تشکیلات صحیح و
منظمی با بودجه کافی برای کلیه سازمان
های اداری آن در نظر گرفته شود.

وضعیت فرمانداری

فرماندار سفر باید هر چه زودتر
معین که بوضع بلاتکلیفی این شهرستان جدید
التاسیس خانه داده خود.
فرماندار سفر باید از این اشخاص
که به اوضاع عمومی آن منطقه کاملاً
آشنا و بروجه مردم واقف و نیازمندی
های عمومی را بداند انتخاب شده و اعتباراتی
که متناسب با وضع این منطقه است باید
در اختیارش گذارده تا هر چه زودتر
شروع باندامات اصلاحی نموده مردم را
به توجه دولت امیدوار کند.

بهداشت عمومی - برای تأمین
بهداشت سگت شهری و ده نشین این
شهرستان که فعلاً فاقد همه گونه وسیله
معالجاتی است باید وزارت بهداری برای
امسال چند نفر پزشک در نظر گرفته
سال آینده سازمان یک بیمارستان کامل
را پیش بینی نماید.

اگر در بعضی شهرستانها پزشک و
وسایل بهداشتی نباشد افلا وسیله نقلیه
و جاده نیست مرتباً هست که مردم با
استفاده از آن پس از طی مسافتی خود
را به پزشک برسانند ولی این منطقه که
چند ماه از سال را بجلت مسدود بودن

واما از ارتباط با سایر نقاط کشور محروم
است اگر وسائلی برای معالجه در محل
نداشت باشد باید در این فصول پیدار
باشغال مرگ بشتابند.

فرهنگ

اندامات فرهنگی بنوبه
خود فوق العاده ضروری است اگر قدری
از سال تحصیلی گذشته نباید این مختصر
گذشته زمان را دلیل قرار داده امسال
از اقدام در توسعه فرهنگ این شهرستان
خودداری کرد بلکه بالعکس باید کوشید با
استفاده از اشخاص صلاحیتدار
معلی کادرفرنگ آنها را تکمیل و
با تشویق اهالی به کمک چه در شهر
و چه در روستا و دهات مدارس رایج
کرده تکالیف فرهنگ داد.

التهو در ادارات آنها باید مطالعه
کالی همه و فعلاً تا تهیه سازمان متناسبی
برای هر اداره عناصر کتب و مودی
را اگر در راس اداراتی هنوز وجود
دارد باید از این منطقه اخراج نموده
به کثافت کاری ها و سته بازیهای آنان
خانه داد تا انظار مردم و آسایش داشته
باشند.

امیدواریم باین نظر گرفتن اوضاع
خراب و دستار منطقه سفر و باجه پیش
از این اقدامات اصلاحی بتوجه یافتند
و دولت فعلاً ثابت نماید که باین منطقه
توجه خاصی داشته و شهرستان شدن آن
لفظ اسمی نیست.

خبر ، قطعاً جنگ آینده از فلسطین شروع نخواهد شد

اکنون که ما بحث تاریخی و سیاسی کشور فلسطین می بردیم بهتر است در مقاله به نظر به طور یک سر و کلاه فلسطین را نیز که بستگی کامل بنا می‌کند به سیاست جهان آینده دارد روشن سازیم.

فرماندهای سیاسی که سکنه فلسطین را بطرف متضاد تقسیم نموده، با حصول تاریخی اختلاف دو قوم یهود و عرب دست گیری دولت انگلوساکسون، فرض تحول اوضاع در حلیقه و مشاهده سپاه گریه «جنگ آینده» نکستی بودند که مآذ رخنه های پیش ناپذیر بود که در بین اینکه موجب شکستی است دنیا را بسوی تحول می‌کنانند، آزادی و دموکراسی را تهدید می‌نمایند و صلح را واژگون می‌کنند. اینکه بنای عظیمی که آینده فلسطین را با تمام مضامینش متظاهر می‌سازد و آخرین برده این تراژدی را مجسم خواهیم نمود.

تاریخ بارز یهود و عرب این نکته را بر ما مسلم کرده که این اختلافات همیشه حالت یک آنوسیاسی راداشته است که دولت بیگانه یا استفاده از آن در اینستغله ابراز سیاسی می‌شود و راه است که دولت انگلوساکسون امور سیاسی جهان را بیل خویش و باول-خواه خویش سازش می‌دهند اما این مرتبه چه از نظر کیلی و چه از نظر کسری تیرشان در فلسطین سنگ خورده و فعالیت دور انگیز ترور پستی یهود و جنبشهای اعراب و برای برآورد آنها بهترین سوه انکار ناپذیری بود که از لطمی و صومی بودن این نظر حکایت می‌کند، گرچه تغییر ناگهانی «آئینده سیاسی گامان ولت» و گفته های وزیر مستشاران انگلیس در جلسه مجلس عوام انگلستان:

«دولت انگلستان تقسیم گریه کلیه زمینهای یهود را در فلسطین آزاد کند و نیز تقسیم گریه که با قاضای نمایندگان عرب در آزاد کردن نیمه هدگان اعراب در صیح الجزائر شیل موافقت کند.»

«دولت انگلستان اخیراً با نمایندگان موسه بین المللی درباره خطرناک بودن اوضاع فلسطین و لزوم تخفیف اوضاع ناگوار کنونی این منطقه مذاکراتی بعمل آورده اکنون خود را ناچار می بیند که با تقسیم حکومت فلسطین در باره آزاد کردن یهودها موافقت کند»

«ولذا دولت انگلستان ایدوار است که به پیشوایه اوضاع فلسطین از هر جهت بهبودی یابد...»

انکار تازه را در این زمینه بوجود می‌آورد ولی حل و فصل قضایای فلسطین و ناخوددیدی پایان نزاع یهود و عرب و در نیروی که منافع آنها بهم متصل و پیوسته است و خودشان نیفتیده، نشانه افق باز روشن و در ضمن محتوی خصوصیات سیاسی نوینی است. ولی نکته قابل تمق اینست که بازرسی موسه یهود در پاریس میگوید «یهودیان اروپا و نقاط دیگر چون از نظر تامین حیات اجتماعی قادر با ادامه زندگی نیستند باید بسوی فلسطین مهاجرت کنند و چون بین

تفسیر تحولات سیاسی

وینا و ایران در بنفشه گذشته

تحولات سیاسی جهان انقلاب اکبر

مظالم اتحاد جماهیر شوروی بیست و نهمین سال انقلاب اکبر را جشن گرفت سال گذشته این جشن پس از یک پیروزی و پس از خاتم جنگی که در تاریخ نبرد ما بین نظر بود اتحاد گرفت ولی اسامیل جشن تاریخی اکبر که عصر نوینی را در روسیه و جهان آغاز نمود در محیط صاف و آرامش بیشتری برگزار می‌گردد.

استقرار صلح در تمامی جهان و حفظ متعادل صلح دوست و کوچک از ناکامی است که همواره اتحاد جماهیر شوروی در سیاست منتهی خود بران منگی بوده است و بدیهی است با اجراء دایم این روش اتحاد شوروی هرگز مغلوب نشده و برای همیشه جاودان خواهد بود.

پس از ۱۴ سال ورق برگشت پس از ۱۴ سال که دو پسترو رهبری دلانو فرانکن روزولت حزب دموکرات در مجلس صومی و سناتوریت مطلق داشت در انتخابات اخیر شکست خورد و وی با بلینگن ها پس از ۱۴ سال سر اقتدار کی در حرمه سیاسی جهان پیروز گردیدند.

گذشته امریکا - روزهای کنونی روزولت «لیبرال» جمهوریخواه و رئیس جمهور سابق امریکا با کاخ اینس در مناقشه بود او روش مثبتی در سیاست داخلی و خارجی برای خود اتخاذ و با توجه آن دو دولت مقنن در آسروز (دو سی و داین) که در سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۶ شده با بر علیه یکدیگر جنگ می‌شودند و حل مسئله الجزایر و کوهسالی امیراتور آلمان - و زنی بسراک حزب جمهوری تهیه نمود و پس از آن نیز ویلسن منظر خوشی از خویش باقی گذاشت ولی فعالیت و محبوبیت سیاسی دلانو فرانکلین روزولت که سه بار متوالیاً بر ریاست جمهور انتخاب گردید بر روی تمامین جریانات پسرده افکنده و حزب دموکرات در پرتو این روش محیط مناسی توانست برای خود فراهم کنه ولی هدف سیاسی ترومن و برتر شوکت ناگهانی حزب دموکرات بفاصله یک سال اکنون دلیل قاطعی است بر اینکه دوستان روزولت توانسته و نیلوانت روش وی را با مهارت و منطق تا هدف اصلی را دنبال کنند بهرحال گرچه فتح روی بلینگن ها آغاز جنگ سیاسی بر عاده است اما بتواند سونه در پیرامون عقایدی که امروزها در اینمورد وجود دارد صحبت می‌کنیم با این ترتیب که حزب جمهورخواه در دو مجلس حاکم اکثریت گردیده و در پیش بینی می‌کنند که سنتر برتر وزیر امور خارجه امریکا تغییر خواهد کرد و چون روش سیاسی وی با بلینگن ها کسی معارضه کاراته است سیاست امریکا کاملاً بطرف راست متوجه خواهد شد و چون عده از جوانان یابنده «فرار داد مورترو» هستند ممکن است امریکا خود را از دخالت در سیاست جهان کنار بکشد یا

این نوم و هر با تضاد آهستی ناپذیر موجود است و هر با می‌تواند در سایر مسائل عربی نیز اراضی لازم هم را بدست آورد. بهتر است اعراب از فلسطین بیرون بروند «...» هر سال این جریانات نامنظم، بلکه سیاسی صحیح تلقی می‌شوند و تضاد باید پس از این آرامش موثقی منتظر تضادهای نامطمونی بود و مشکل نیست اگر تقسیم داده و سر بست بگویم که آزاد گذاردن دست یهود و عرب معرف یک فرم سیاست مخصوص و نوینی در این منطقه است تا آزادانه این دورای تامین منافع امپریالیستی یکدیگر را بیشتر و بهتر محو معدوم کنند.

بهرحال هر چه باشد چون نیروی دموکراسی و آزادی با دست و شستیکه دارد، این امید را که فردا، فردای نزدیک، جوارهای پوسیده را که سیاست های کینه و قدیمی می‌نند گریه بدور «جبهه موجود» کشیده اند، با روم دور خواهد ریخت، غوغی می‌کنند مآلاً و معطاً بیشتر از پیش متلاطم بوجود یک فلسطین آزاد» ایدوار خواهد شد و تنها فایده همان آزادی مختصر خواهد بود نیز برای «قوم یهود و عرب» است که ایندو او دو با تمرکز نیروهای خود بطور کلی و کم کم قیود و مواضی را که در سر راه استقلال و آزادی آن ترار گرفته بررور از بین بیره و جیبسان آزاد ثابت کنند که فلسطین مرکز تمامی کلیه نیروهای مخالف صلح نیست و نخواهد شد بلکه بنده بی آزاری است که مدینه دستداران صلح و صلح بود و هر هنگام نیز خواهد بود.

در ایران ما چه می‌گذرد؟

موضوع انتخابات یکباره محور عقاید را در گروکون نموده است. تهران این هفته سرشار از تظاهرات مردمی بود البته این امر بیشتر از اعتراض سیاسی قابل توجه است تا از نظر اصولی. مسائل دیگری نیز نظیر صدور اعلامیه آقای نصرت وزیر دار را به شروع انتخابات از تیره آذربایجان جزء مسائل سیاسی مهم هفته مصوب می‌گردد. چشمانی نیز به مناسبت انقلاب اکبر متقد شده بود، بهرحال تهران در این هفته شاهد یک جریانات مهم و دوپهلوی بود ولی چون پیش در آمد انتخابات نواخت شده است باید منتظر بود و دید که آئینده آستان چه تحول و تبدیلی است و انتخابات چگونه شروع و چه عو پایان می‌یابد.

در پیرامون وقایع گردستان

از وقایع سردشت این هفته دیگر خبری نشد گویا آب خاموشی بر روی این آتش فروخته ریخته شده است دیگر از سردهشت یهود و بلاخره به معلوم نشد صدای هفته گذشته چه بود و از کدام سرچشمه آب میخورد،

ترومن استغنا بدعه و یک عیب اصلی که در آنجا موجود است نیز بدینطور حل خواهد شد که وزیر امور خارجه جهانی معاون رئیس جمهور، جانشین وی خواهد گزید بهر حال ممکن است این توافق هیچگاه پیش نیاید و آسانی بر او ترومن در میان دو قطب منفی بگسلد و چند ماه دیگر نیز قدرت سیاسی آمریکا را در دست داشته باشند ولی کاملاً آشکار است که با اینوضع و با افکار و روش گذشته دستگاه اصلی سیاسی امریکایی نمیتواند از پیش ببرد و ممکن است این یک سال نیز تا تجدید انتخابات رئیس جمهور که «دیویی» فرماندار نیویورک نامزد آن می‌باشد جز چند بازی سیاسی حل دیگری انجام نگیرد.

یکبار دیگر فرانسویهای آزاده برای مجلس ملی خود نماینده انتخاب میکنند

انتخابات در روز فرانسه در محیط پرمیاهو و دلچسبی پایان یافت فرانسویها برای شرکت در سر نوشت اجتنابی خود پیش از ۶۰۰ نفر از افراد میرز سیاسی خود را انتخاب و به مجلس ملی روانه بودند سه هزار نفر کاندیدهای انتخابات بودند نتیجه این انتخابات و پس از آن رئیس جمهور نشانه ماهیت سیاست ملی فرانسه و تاریخ آینده این کشور می‌باشد و نتیجی این مانور سیاسی معلوم شد و فرانسه آزاد بشام منفی خود را به جهان آزاد نشان داد ما بیشتر در این مورد صحبت خواهیم کرد.

تایید

معینی که از فوت بکاۃ مصر مرحوم آقای آقا سید ابوالحسن اسفندی پیشوای بزرگ مذهب جعفری صومسلیین وارد آمده لقب صوم مومنین و اشخاص را که بتمام شامع آن مرحوم اکتف بوده اند جریمه دار نموده است. در گذشت این مرد بزرگ اسلامی ضایع جبران ناپذیری برای صومسلیین می‌باشد.

تغیر دعا گو این مصیبت وارده را صومسلیین تسلیت عرض و ایدوارم غداوند شمال صوم مسلمانان را در راه راست هدایت فرموده و به کرم و بزرگواری خود همه را بخشایش فرماید.

حاج شیخ الاسلام محمد سید ربانی از همدان

آقای باقر ذیحجان میوند تلگرافی که در شماره ۶۷ روزنامه کوهستان راجع به نمایندگی آقای غلامحسین بود در چاپ شده بود و اضافی اینجاب در ذیل آن دیده میشد چون قریب یکسال است اینجاب در همدان ساکن هستم و از مضمون آن تلگراف اطلاعی نداشته ام بدین وسیله وجود امضای خود را در ذیل آن تلگراف تکذیب می‌نمایم.

اسرار بارزان (۲)

هوروی قرار گیرد و چنین عملی قطعاً منافع دولت انگلیس را در خاور میانه به خطر می انداخت.

برای جلوگیری از این پیش آمد بهترین سیاست دولت انگلیس این بود که حرکتی آزادخواهانه کرد بوجود آورد و با آن دولت ترکیه را وادار کند به محور اعلان جنگ بدهد.

این فکر و حساب درست بود و سه نظر ذیل هم تأمین میگردید

- ۱ - دولت هوروی بزنگه حمله نکند.
- ۲ - ترکیه وارد جنگ هود
- ۳ - ترکیه بتواند در کشور صلح شرکت نماید

این بود سیاستی که آن اوضاع را در کردستان فراهم نمود. برای اثبات امر هم کافی است که فرار شیخ لطفعلی پسر شیخ محمود برای پناه و محسود خان کافی سانانی را برای مریدان در فاصله کسی و در همین این جریانها در نظر بگیریم. صلیبات ماهرا نه نباید مصطفی موجب شد که بین روشنفکران کرد اختلاقی بوجود آید و فکری را که چندین سال با فداکاری و جدیت بر حلقه صلح لوله یک نسوده بودند متلاهی گردد. آن محیط صمیمیت و دوستی بحیطی ناسازگار و گسستگی مبدل شد.

اما آنهایی که همیشه کار و چکیه با روح ملی و زجر دیده ناهدانی های اجناسی و فدائی راه آزادی بودند نیتوانسته این نهال امیدوار که میرفت باور هود رها کرده بگذارند پادشاهی خطرناک مخالف و مشرقات مودی آنرا خشک نموده تا پهلوان ماهر و دلسوز بنوبه خود برای زینت دادن باغ پادشاهی نقش نماید.

روشنفکران کرد با زبهای ماهرا نه ظاهرالصلاح مارا در پناه و دانسته که دست های غرض آلوده برای انهدام فکر آنان این سرکه گردانیها را نموده و دانستند اذعان این روزه ملوک بتدگی و بردگی را در کردن آنان حکم تسر خواهد نمود. بودیک پیمان هم کم کم با شتاب خود وائل و دانستند که سقوط کاپیت برای حفظ مصالح کرده بود و دوره های انصران ارتباط هم قطع برای منظور های خاصی بوده حال که دیگر احتیاج مرتفع شده آن بساط هم برچیده شده و حتی با موریت این انصران هم خانه داده شد.

هورود فداکار

حرب هیوا بیخود آمده بود. فعالیت سیده می رفت از نو آغاز خود. دو نفر از افراد برجسته حزب میرحاج احمد و مصطفی خوش ناول که چندی هم بست اسرار ارتباط ماموریت داشته و کاملاً بی پروا کار وارد و دست حریر را خوب خوانده بودند آنی آرام صداقت و اختلاقی ایجاد شده دوحرب هم آنها را مست منزاس ساخته بود پس از خانه ماموریت هوداه از ارتش مرخصی گرفته دیبالی فعالیت های خود را بطور نهانی گرفته و از این فرصت برای مسالرت عالی استفاده نموده و با روشنفکران حزب ز ک ک تاس گرفتند.

مقامات دولتی از فعالیت این دو انصران و پنداشته بودند که آنها مسالرتی بکردستان آزاد نموده اند. این دو نیز بنوبه خود از سوه طن دولت مطلع و باخود قرار گذاشته که میرحاج احمد به سر خدمت مراجعت کند و مصطفی خوش ناول در بارزان بماند تا اگر گرفتاری پیش آید هر دو دچار شده باشند شننا قرار بر این گذارده شد که میرحاج احمد جریان اوضاع و اهدامات دولت و انبست بطور دواسرع وقت به بارزان اطلاع دهد.

این احتیاط ها و قرارها بسیار جاودرست بود ولی حریر زونکتر و کارآزموده تر بود میرحاج احمد مراجعت کرد ولی از طرف حال دولت انگلیس و دولت عراق کوچکترین عملی که حاکی از سوه طن در باره او باشد مسول نگریه این سیاست هیطانی سپهر خوب بام انداخت میرحاج کاغذی به مصطفی خوش ناول نوشت و او را به مراجعت بهر خدمت دهون نمود.

مصطفی خوش ناول به پنداد مراجعت کرد بیکاه هر دوه خدمت بودند بگریته هر دو را از ارتش خارج کردند میرحاج احمد بلافاصله در پنداد توفیق شده به عاره اهوام گردید. در همان وقت از طرف وزارت جنگ دستور توفیق مصطفی خوش ناول هم صادر گردید ولی اعضای حزب هیوا در پنداد از این دستور اطلاع حاصل کرده بودند که در آن موقع به موصل رفته بود اطلاع داده شد. مصطفی خوش ناول به موقع توانست از راه هاولیر - ساریلو - کوی سنجان به بی توانه مسقط الراس خود فرار کند در حالیکه مامورین عراقی در همه جا در جستجوی او بودند.

صید ز دام جبهه و صیاد بی جهته تلاش میگرد

عزت عبدالغفریز

بکی دیگر از انصران از تباط، بطوریکه در پیش هم نامبرده خدمت عبدالغفریز بود.

در همان موقع که در انصران فون الاکر میرحاج احمد و مصطفی خوش ناول برخصی رفته و بعد به پنداد مراجعت کرده اند. عزت عبدالغفریز هم هوداه مرخصی گرفته به سوره و مصر مسالرت کرده بود در مراجعت از این مسالرت از طرف وزارت جنگ عراق اطلاع داده شد که مشارالیه برای تاس یافتن با

جمعیت خوی یون به سوره رفته است لذا بعضی ورود چند نفر از دوستان ارتشی باو خبر داده اند که نظر دولت با او موافق نیست از این جهت او هم مصمم شد فرار کند.

عزت عبدالغفریز از بنداد از راه کرکوک - ساریلو - هفلو - پس از ملاقات بعضی از شخصیت های سیاسی خود راه بارزان رسانید. از آنجا نامه ای به مصطفی خوش ناول نوشته ضمن اطلاع دادن ورود خود به بارزان از او درخواست نمود که از بی توانه به بارزان بیاید.

یسوی بارزان

پس از ۹۵ روز توقف در بی توانه، مصطفی خوش ناول با دریافت نامه عزت عبدالغفریز عازم بارزان شد.

بکر عبدالکریم هم که یکی از انصران کرد و فراری و موافقا در منطقه بارزان اقامت گزیده بود به بارزان رفت چند نفر دیگر نیز باین عده الهوده همدند و بدین ترتیب هدهای از روشنفکران کرد در بارزان مجتمع گسریه اند. اقدامات سیاسی و اساسی بلافاصله آغاز گردید. بیانیه ای تهیه و در آن تلاش های صلح و منظور از شورش بارزان اعلام گردید. این بیانیه ها رسا بطارقت انگلیس در پنداد دولت عراق و حزب هیوا فرستاده شد.

طرز صلح و صدور بیانیه به دوست و دشمن نشان میداد که حرکت بارزان چو حرکتی آزادخواهانه چیزی نیست و در نبال روش مشتی که پیش گرفته شده بود هیچگونه تبلیغ سولی موثر واقع نمیگفتند.

وسول بیانیه حزب هیوا اثر عجیبی بنحید، کرمی نیروی آسانی حزب خاموش هیوا را نتکان سختی داده جوش و غروش و فعالیت شده بی میبدا آغاز گردید. مرکز حزب در پنداد روز ۱۹۴۵/۲/۱۰ جلسه عمومی تشکیل داده تصمیم اتخاذ شد که نامه ای رسمی از طرف حزب به بارزان نوشته شود و بیسیله یکی از اعضای فعال فوراً فرستاده شود نامه نوشته شد و یکی از انصران عضو حزب «محمد محمود» مامور حرکت به بارزان گردید مشارالیه با دریافت چند روز مرخصی از ارتش عازم ماموریت شد.

شورش اول بارزان

هیئت آزادی

انصر محمد محمود با نامه رسمی خوب هیوا به بارزان رسید. در این موقع ملحق شدگان به بارزان عبارت بودند از:

- ۱ - عزت عبدالغفریز اهل عاده
- ۲ - مصطفی خوش ناول اهل بی توانه
- ۳ - عبدالعزیز باقر اهل شاهین از حشیر ل
- ۴ - محمد محمود اهل سلیمانیه
- ۵ - احمد اسمعیل اهل اربیل
- ۶ - شوکت صان اهل عاده
- ۷ - حظایه اسمعیل اهل طره

کار جدا آغاز شده بود. حرکت میبایست تحت پناه سازمان مرتب انهدام پذیرد و لازم بود هر چه زودتر به نامه رسمی حزب هیوا جوابی رسمی داده هود لذا نامبرندگان فوق تحت ریاست ملا مصطفی بارزانی جمع شده «هیئت آزادی» را تشکیل دادند.

اولین جلسه هیئت آزادی هوروز ۱۹۴۵ در ۱۲ تشکیل و پس از تنظیم مراتب و انتخاب اعضای رئیس جواب حزب هیوا را به سورتی رسمی دادند. مرکز مؤقت صلیبات بارزانی تعیین گردید. اولین مرحله اقدام آزادی نمودن و خودمستاری کردستان عراق اعلام شد. و مخصوصاً این قسمت بطور روشن تصریح شد که: «هیئت آزادی به هیچ سیاست خارجی نباید پیوستگی داشته باشد»

«برنامه هیئت آزادی»

هیئت آزادی برنامه خود را در مواردی چند شرح ذیل تنظیم نمود

- ۱ - متعدد نویسن هشایر: در درجه اول هشایر حوالی بارزان و پس از آن سایر هشایر کرد.
- ۲ - نجات دادن کردستان عراق از طریق سیاسی و مسالرت آمیز
- ۳ - ارتباط یافتن با احزاب آزادخواه کرد.
- ۴ - تصدیق دادخواست ها بنسایتگان سیاسی دول خارجه
- ۵ - تبلیغ از طریق نشریات
- ۶ - مبارزه با سیاست استعماری دولت عراق
- ۷ - تنظیم قوای مسلح

دستور محرمانه شماره ۱

هیئت آزادی پس از تعیین برنامه خود بشرحی که در فوق بدان اشاره شد. ایزام ناول را به جبهه ها شرووری دانسته و بنظور اجرای آن دستوراتی صادر نمود.

برای اینکه خوانندگان ما بااعت حرکت بارزان و قدرت تشکیلات و نظم و ترتیب آن آگاه شوند ذیل از شروع بیکر اقدامات سیاسی هیئت آزادی قسستی از دستور محرمانه شماره ۱ مورخ ۱۹۴۵ در ۱۳ از طرف فرماندهی کل قوا به فرماندهی جبهه می ته. در مونی که هتک از ارتش عراق میبایست به منطقه هیئت آزادی تعرض کند هل میبایست.

پلم آقای محمد مردوخ آیتا شاه کردستانی

کرد و کردستان شماره اولان

- ۶۸ -

خاطر ملوکه از بیانات شرف الملك مشهور عهد نورا میرزا یوسفخان صدر اعظم امر میدهد که شرف الملك را همراه برده هر چه لازم داد باو بدهد و خلعت و فرمان حکومت کردستان را هم برای او صادر کند و در روز او را حرکت بدهد صدر اعظم با هرف الملك از دربار برگشته اول تلگرافا اول الفتح میرزای موبدالدوله را احضار و حکومت شرف الملك را با هالی ابلاغ مینماید سپس میرزا حسن خان منشی باقی را هم دستور میدهد که فرمان حکومت کردستان و سرتیپی نوج ظفر را سرما باسم هرف الملك صادر و تا ظهیری تمام شده تحویل بدهد شرف الملك هم پس از این پیش آمد غیر منتظرانه شد شادی خود را باعث بتلگرافخانه می رود بیحال دلجوئی از مخالفین سرب خشتاد تلگراف بلسا و ایمان و اشراف کردستان مغایره میکند و مخصوصا در تلگراف میرزا یوسف مشیر دیوان می نویسد:

بیا که نوبت صلح است و دوستی و همنایت بشره آنکه نکویم از گذشته حکایت مینماید تلگراف صدر اعظم بودید الدوله و تلگرافان شرف الملك با هالی و مشیر دیوان میرسد مشیر دیوان مرگ را در برابر چشم خود مجسم دیده به تکاپوی افتد و تمام اهل هیرودان طرف یکتبانه روز با خود متفق ساخته همرا بتلگرافخانه میرود و از حکومت شرف الملك تعاضی و دلنگی مینماید موبد الدوله که بر حسب امر تلگرافی باید حرکت کند شروع به تهیه وسایل حرکت مینماید این اثنای زیادتی و ترشجانات و مریجات داشته جمع کرده میخواهد به بازار بفرستد که هرف شرف برساند مشیر دیوان این خبر را شنیده نورا بیغام می دهد که این حرکت اهالی شهر را به کلی مایوس مینماید.

بپیچ وجه اثنای و ترمی و مریا را به بازار فرستد فعلا ما در تلگراف خانه هستیم اگر موفق بنجدهد حکومت او و تغییر شرف الملك شدیم همه آنها برای خودش لازم خواهد بود اگر موفق شدیم هر چه قیمت آنهاست دو مقابل تقدیم میکنم.

پس از مغایره تلگراف اهالی شخص میرزا یوسف خان صدر اعظم به تلگرافخانه مینماید اول منصفین تلگراف خانه را دم تسدید میگیرد که در این موضع دولت شرف الملك را برای قلع و قمع شیخ عبیدالله و اتباع او مامور فرموده تخمین همدان تلگراف خانه می مورد بلکه مستنزم اغیار و خاطر ملوکه خواهد شد هر چه زود تر متفرق شده بتنازل خود مراجعت نماید . فرات این تلگراف با اثنای فروختن

حکومت دست بدست هم داده آمدن شرف الملك را در نظر اهالی مسلم و قضی ساخته ملوب منصفین متزلزل و آسوده میگردد و میخواهند متفرق شوند مشیر دیوان سرما در جواب تلگراف صدارت هرف میکند اول دولت چگونگی معضن شده است که خود شرف الملك ملحق بشیخ عبیدالله نشود و دامت این آتش را تومسه نیندهد تا نایا اگر مقصود دولت دفع شورش شیخ عبیدالله است تلگراف ابقای حکومت موبدالدوله صادر شود من شخصا متعهدم و جان و مال و هستی و اولاد خودم را ضمن و گرو میدهم که شیخ عبیدالله با گلسان او نتواند قدم بجای کردستان بگذارد و کردستان از هرف و مطوظا بماند میرزا عبیدالله متعهد منکر این عهد میشود مشیر دیوان میگوید:

هو- تومومی بینی و من پیش میروم - و ایرو من اشارت های ایرو اگر این عهد را نکتیم با این سراجیکه ما با شرف الملك داریم از کجا معلوم است که در ورود بکردستان اول ما را مسبب این فتنه معرفی نکنند و جان و مال و هستی من و هشوات خانوادهم و زادت را بمرض خطر نیندازم من امروز بوسیله این تلگراف گلک شرف الملك را میکنم و خود را از هرف او معفو می دارم فردا اگر شیخ عبیدالله اقتداری پیدا کرد و کردستان را تصرف میکرد

دولت ایران دسترس بر من ندارد و اگر شورش او خاموش شد میگویم در نتیجه عمل من اقدامات او خنثی گردید میرزا عبیدالله در مقابل این استدلال ساکت مانده و تلگراف مذکور مغایره میشود صدر اعظم نورا تلگراف مشیر دیوان را حضور شاه برده تقدیم میدارد میرزا عبیدالله خان آصف الدوله که در حضور بوده بجا بده موبدالدوله و حفظ التلیب حواء السلطنت (که در سفر حجاز بوده است) هرف میکند با این عهد که مشیر دیوان کرده دیگر فرستادن هرف الملك صلاح بست بنگه خطر دارد در این هنگام هم شرف الملك بدربار احضار شده که خلعت حکومت را پوشیده حرکت نماید پس از جریب ملاکرات شاه بقوام الدوله میگوید بشرف الملك

اسلایق نباید رفتن او در این موضع با این اوضاع که عدم اهالی کردستان بتلگرافخانه ریخته از حکومت او شکایت میکنند بیچوچه مقتضی نیست میگویم کار دیگری برای او فکر کنند توأم الدوله که از دربار بیرون مینماید در دم دروازه السامیه به هرف الملك میرسد و فرمایش ملوکه را باو ابلاغ مینماید شرف الملك در جای خود خشکیده با حالت آسوده میفرماید

له باخی گویک

ظاهر

ظاهر بك كوری عثمان پاشای جافه . له سالی ۱۳۹۵ هجری له هلیجه تهوه لوی بووه . انجیلاتی ظاهر بك زورله بو وه اما خدا ذوقی شعرونی گیتنبیگی چاگی بی داوه . له دوری حكومتی عثمانید اقامم مقام هلیجه بووه و له سالی ۱۳۳۷ له سلیمانی وفاتی کردوه چه نازه کیان هیناوه ته وه بوعبایله که یکی بووه له اصحاب وه له زور هلیجه وه لیژراوه . ظاهر بگیشیان له وی به خاك سپار دوه

دیوانی ظاهر بك له سالی ۱۳۵۷ له چاپخانه ی جزیره چاپ گراوه .

له مه یکی له غزله گانی ظاهره .

ظاهر نیک پسر شان پاشای جاف بوده که در سال ۱۲۹۵ هجری در حلبچه متولد شده است . تحصیلات ظاهر نیک فون العاده بوده اما ذوق ادبی و فراست سرکاری خداوند در نهاد او به ودیه گماشته . در زمان حکومت سلاطین عثمانی حاکم حلبچه بوده در سال ۱۳۳۷ در سلیمانیه ولایت یافته است و جنازه او در هلبه در نزدیکی حلبچه به خاک سپرده شده .

دیوان ظاهر نیک در سال ۱۳۵۷ در چاپخانه جزیره چاپ شده و اینک یکی از قول های او :

ندای رخسار آت بم ده لی خورشید تا باه

بلا کردان بالات بم دلی عشقادی بستانه

له سالی تیغ ایروی تو له روزی حقد اجاتا

جمهات حسانی من له گل جسی شیدانه

ده زانی بوجی مسرورم اهارنی کردنی دلیر

ونی حاضر به بو کشتن سینی جلای غویا به

له آهم گر بسوتی آسان بساور بکن امشو

ایتر باران چه باکم من له سردی فصلی زستانه

له زوللی عارضی بوخی وتم با رب چه سحریکه

له لایک ظلمتی کفره له لایک نوری ایهانه

ده باکلوی بی ملکی دل به تاراجی بیامی غم

منا شا عشقی ستم له ویدا منکی سلطانه

به دوس بادی سیا چونکه به شیرا عشقی ذلیلت

منی چاره سیا بوینه هو نظم بر پستانه

مه کن نیازی زنی جرگی (ظاهر های طیب آخر

زانی تاله حشرا او هبهدی تیری بزگانه

ارسالی آقای محمد پاکزاد است

بسنزل مراجعت مینماید .

پس از بیست روز از این قضیه بر حسب تفاضلی شاهزاده موبدالدوله امر هایبونی صادر میشود که شرف الملك و گلسانش از تهران خارج شده بفرمان بر روند و در آنجا سکونت نمایند شرف الملك ناچار پناهنده بقوه خانه نواب هلیه ایس الدوله حرم شهر یاری شده در آنجا پستی میشود صادق الملك هم در این تحصن با او شرکت میکند پس از مدت ۲۸ روز ایس الدوله دستخط هایبونی صادر میکند که شرف الملك در تهران بماند و مزاحم او نشود مدت چهار ماه از این ماجرا میگذرد محمد وحیم خان علاه الدوله در شهر ریخ الثاني ۱۲۹۸ بحکومت آذربایگان و لفس امیر نظامی مقرر میشود .

مشارالیه بواسطه سوزن آشنالی شرف الملك را نیز همراه خود می برد پس از رسیدن به آذربایگان شرف الملك را حاکم اردبیل میکند مصادف این ایام بر حسب اراده ملوکه جزو اداره شاهزاده محمود میرزای ظل السلطان شده ابوالفتح میرزای موبدالدوله مسزول و حکومت کردستان و کرمانشاه از طرف ظل السلطان محمود خشان ناصر الملك ترا گوزلومی هدایا واگذار میشود .

اخبار سفر

- ۱- در دیرستان شاهپور سفر نمایش «طیب اجباری» بنفع دانش آموزان بی بضاعت داده شد که در آن هدایای از معترمین محل حضور بیسم رسانیده .
- ۲- برای تعمیر کارخانه رن سز که مدتهاست از کار افتاده اندامانی حمل آمده و بعضی از اثنای آن برای مرمت بظهران فرستاده شده است .
- ۳- آقای سرفک فغاری فرماندار نظامی سز نسبت باصلاحات شهر جدید بخصوص ابراز میدارد که مورد رضایت و امتنان مردم است .
- ۴- سروان دلآوری در دیودیه و اهره مالیات جدیدی وضع کرد و از ماشین های بازی که به سز آمد و رفت می کنند به به حل گند از نجف آباد بیلنی بتوان باچ سیل گرفته میشود .
- ۵- توجیه فرمانده محترم لشکر باهنر خیر جلب میگردد
- ۵- مقضی ایاز دار بخش و حرفته مامور کنترل بازار از طرف شهر بانی توفیق شده اند .
- ۶- پس هشت ساله سید عبیدالله بنی هاشمی را ماشین شماره ۴۷۰۲ دولتی زیر گرفته تلف نمود .

پلم آقای هابون مشد وزیر دانشجوی
رفت سیاسی دانشکده حقوق

بمناسبت صدور فرمان انتخابات

ای مردم بیدار باشید

-۲-

آقای هابون مشد وزیر دانشجوی و دانشکده حقوق بنام دستور فرمان انتخابات و برای آگاه نمودن همولایتی های مستقر از مواد قانون و مقررات انتخابات حسن چند مقاله نگاشته و آنستش برای کلیه شرکت کنندگان در انتخابات ضروری است برقت تحریر و آورده اند. یک نسی از آن در شماره گذشته چاپ شد اینک قسمت دوم آن ذیلا درج میگردد

شرایط انتخاب کنندگان - مطابق ماده نهم قانون انتخابات انتخاب کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند

- ۱ - تبعه ایران باشند
- ۲ - لااقل بیست سال داشته باشند
- ۳ - در حوزه انتخابیه توطن یا لااقل هشت ماه قبل از تاریخ انتخابات در آنجا اقامت داشته باشند طبق ماده دوم این اخصاص از حق انتخاب کردن محروم هستند :

- ۱ - نوان
- ۲ - گسایکه خارج از رشد و با در تحت قیمومت هستند
- ۳ اخصاصی که از دین اسلام خارج شده اند

- ۴ - ووهکستان بفسهر
- ۵ - منکدیان و گسایکه بوسائل بشرفه تحصیل ملایق نباشند
- ۶ - اخصاصی که بوساطت احکامات قضی محاکم مجازات جنائی محکوم شده اند
- ۷ - مفسرین سیاسی که بر ضد اساس حکومت ملی و استقلال سلطنت قیام و اقدام کرده اند

و بموجب ماده یازدهم همان قانون این اشخاص بواسطه شغل و مقام خود از انتخاب کردن محرومند

- ۱ - اهل نظام در تمام کشور
- ۲ - افسران و افراد ارتش و قوای و قهرمانی در محل خدمت

تشکیل انجمن نظارت در اینجا

لازم میدانیم باز تذکر داده خاطر نشان کنیم که صحت انتخاب اعضاء انجمن درستی جریان آن بسیار مهم است گفته از آنکه حتما باید ضایق قانون و مطابق با روح واقعی آن انتخاب اعضاء بعمل آید لایه است حتما کسانی باشند که مورد تأیید اکثریت بوده و اخصاصی باشند که احدی در صحت عمل و درست کاری آنها تردیدی نداشته باشد پس این موضوع نیز همان توجه است حالا بر گردیم به مقررات قانون راجع به :

تشکیل انجمن نظارت - در مرکز هر حوزه انتخابیه برای نظارت در انتخابات یک انجمن نظارت تشکیل میشود محاکم محل در مدت پنج روز پس از وصول دستور وزارت کشور بیست و چهار نفر از طبقات هشگانه که خارج از طلسه

و امیان و تجار و ملاکین و اصناف و ذوالرعین باشند در دوازده نفر از ضمنین معمل را که معروف به امانت و باسواد و واجد شرایط انتخاب کردن بوده باشند دعوت میکند و این همه از میان خود برای بیسی و اکثریت بیسی و نلر را بصیویت اصلی و غیر دیگر را بصیویت علی الابدال بصیوین نظارت انتخاب میکنند برای قانونی بودن اعضاء انجمن نظارت حضور دو ناکت مدعوین کافی خواهد بود در مناطقی که یک یا چند طبقه از طبقات هشگانه وجود نداشته باشد مدعوین مشغول در قانون از طبقات دیگر انتخاب میشوند

اعضای انجمن نظارت بلافاصله پس از انتخاب شدن برای معمل از مابین خود یک نایب و بیسی لااقل چهار نفر منشی تعیین میکنند انجمن نظارت مرکزی پس از انتخاب هیئت ریشه به تشکیل انجمنهای فرعی اقدام مینماید

عده اعضاء انجمن های فرعی و طرز انتخاب آنها همانند عده مرکزی است که برای انتخاب انجمن های مرکزی ذکر شد

در مناطقی که تشکیل انجمنهای فرعی خالی از اشکال باشد انجمن های مرکزی با موافقت حکومت و طرز از منضمین همان معمل را بصیویت انجمن نامیوسرده انتخاب مینمایند انجمن هر حوزه انتخابیه در تحت نظارت حکومت معلوم و مستوفی و مستوفی صحت انتخابات آن حوزه می باشد - انجمن نظارت انتخابات غیر قابل تغییر است مگر در مواردی که باعث تعطیل و تقویق جریان انتخابات واقع گردد در اینصورت محاکم محل مراتب را با دلائل و براهین لازم بسوزارت کشور گزارش میدهد و پس از وصول اجاره وزارت اهدا بجهت انتخاب انجمن نظارت میکند و هرگاه درجه اخصاصیت

یک یا چند نفر از اعضاء انجمن نظارت از حضور در انجمن حطل یا استغناء نماید مادامی که اکثریت باقی است انتخابات ادامه پیدا کرده و محسوسستگف انتظار میشود چنانچه تا دو جلسه در استکفاف و معنی خود باقی باشد حکومت جای او از اعضاء علی الابدال بکنفر را بحکم فرجه بصیویت انجمن نظارت انتخاب خواهد کرد و انجمن دو هفته بعد از خاتمه انتخابات حوزه انتخابیه متفرق میشوند بصره ۲ از ماه چهارده ماهون انتخابات - در محلهاییکه انجمن ابائلی یا ولایتی مانوا برقرار است چهار نفر از اعضاء انجمن ابائلی یا ولایتی خواهند بود که به انتخاب خود انجمن ابائلی یا ولایتی مینمایند

طرز تهیه دادن رای و گرفتن تعرفه پس از تشکیل انجمن های فرعی انجمن مرکزی اعلانی تنظیم نمودن آن را با در نظر گرفتن اهمیت محل از اهل پانزده روز قبل شروع به انتخابات توسط حکومت در تمام حوزه انتخابیه

اسمال از اقدامات اداره فرهنگه کردستان تاسیس دانشسرای پسران و افتتاح کلاس ششم ادبی را باید نام برد تاسیس دانشسرایستطور ترتیب آموزش کاران یکی از اقدامات فون العاده ضروری است که هر آب نوبتی در صورتی که داوطلبان یک استقبال کنند میتواند احتیاجات کردستان را از لحاظ آموزش کار مرتفع نماید برواضح است آموزش کار معملی آموزش کارگی که باوضاح معمل و اخلاق مردم کاملا آشنا باشد بهتر در شرایط کنونی می تواند خدمت کند تا آموزش کارگی که از گذشته دور دست قطع بشمار صعوریک امر به به کردستان اهرام شده باشد در این موقع که برای اولین بار این دانشسرا تاسیس شده لازم است کلیه کسانی که علاقه به فرهنگ دارند و کلیه اخصاصی که مبدانته سعادت آینه نسل های مملی منوط به بسط فرهنگ است در تشویق داوطلبان واجد شرایط برای نام نویسی و تحصیل در این کلاس ها

منتشر میکند این اعلان باید دارای مراتب ذیل باشد:

- ۱ - محل انعقاد انجمن و اوقاتش که برای دادن تعرفه و اخذ رای معین میشود
- ۲ - شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان
- ۳ - ترتیب گرفتن تعرفه و دادن رای
- ۴ - عده نمایندگان که باید انتخاب شوند

بهر یک از انتخابات کنندگان پس از تعیین ملاحظاتی او طرفه داده میشود که بصیویتی نکات ذیل میباشد :

- ۱ - معرفت و تاریخ
- ۲ - اسم داوطلبان تعرفه و محل و نشانی او
- ۳ - مهر یا امضای انجمن نظارت تعرفه هائیکه از طرف انجمن نظارت صادر میشود باید بترتیب سرده در دفتر مخصوص ثبت شود
- رای دهندگان قبل از ورود با انجمن نظارت انتخابات باید اسم یک یا چند کلمه مفیدی شان نوشته و بپیچیده بخود داشته باشند پس از افتتاح مجلس انتخاب رئیس انجمن چه را در حضور اعضاء انجمن و عده حاضر از انتخاب کنندگان با نامی خالی بودن آنرا مینمایند سپس در جبهه رای می بندد انتخاب کنندگان بلافاصله پس از گرفتن تعرفه بدون اینکه از انجمن خارج شوند در حضور کارمندان انجمن رای خود را از شکافی که در قوف جبهه است ادا داشته و معرفت خود را بصیویتی تسلیم میکنند صحت باطل نموده صاحب آن مشهور دارد - در تمام کشور هر یک از انتخابات کنندگان فقط بیک مرتبه حق رای دادن را دارد در محل هایبسته انتخاب در بیکروز تمام نسی خود در خانه مجلس آروز تمام اعضاء با احتیاطات لازمه جبهه و دفاتر راجع به انتخابات را بصیویتی محفوظ گذاشته و مهربانانه روز بعد همان اعضاء آنرا باز می کنند

تاسیس دانشسرای پسران و افتتاح کلاس ششم ادبی

جهت نبوده و بداند که با این اعدام یک وظیفه ملی را انجام داده اند این دانشسرا اگر بجلت کسی معمل روزی مطمئن خودستک بزرگی برای ما کردستان است و بیکر از نشانه های بارز انعطاف فرهنگ و مرکز تدریسی ماست بنابراین همه خود را باید وظیفه دار بدانند که در این راه هر چه می توانند کمک نمایند

گزارش از سفر

یک پرده دیگر از تاز نوون

پیش از وقایع اخیر آذربایجان دخانیات (بوکان) مقدار زیادی توتون خرید کرده و توتون منطقه بندی و فصل بندی شده بود فقط بجلت نبودن وجه کافی در محل ، فروشدگان توتون حواله رسمی صندوق دخانیات مبادا اغلب حواله یافتند و آب داده بودند از صاحبان توتون کسایکه حواله بانک ملی شیع مینامد آب را بدست داشتند - با وقایع آذربایجان مصادف شده و تاکنون هم حواله و چک بانکی آنها دریافت نشده و توتون ها با اینکه رسمی دخانیات تاکنون در محل مانده است ، اخیرا پس از شکایات رسا و دخانیات کل دستوری بدخانیات سفر فرستاده و مقرر شد که توتونهای بوکان با هزینه بوکاپایسفر حمل شده و بایار دخانیات سفر تحویل داده شود - تاکنون بقرار اطلاع حاصله قسمت عده توتونها طبق صورت مجلس بدخانیات سفر تحویل شده و صاحبان توتون بامید دریافت وجه دل خوش بودند اخیرا دخانیات کل دستور تازه صادر کرده مقرر داشته است که توتونهای عدلندی شده مجددا از بای می شود: این دستور غیر قابل اجراء بقی امید صاحبان توتونرا مینماید یاس کرده تا با توتونیکه بدخانیات بوکان فروخته شده و در ایار محل با هم مخلوط شده و ضیق اصول دخانیاتی عدلندی شده است معنوی نیست هر گلهوی آن متعلق چه کسی است و اگر دخانیات کل بقوا مدطبق نظر خود توتونها را مصادف آذربایمی و بایش را بپردازد معلوم نیست بپای آن یکی و چه کسی برداشته خود و آزار بدبختی که در قبایل بپای توتون خود حواله صندوق و با چک بانکی در دست دارد چه نسبت از وجه برداشتی بدخانیات باید بر خورده او خواهد

و هر صورت دخانیات کل باید باین پسران پایان داده و فکر بهتر برای حل این موضوع بشاید

دستور چیست ؟

هاید اگر من برای استناد و استطاعت سوسی مساوی از مسئولیت قابل هومرا تکفیر کنه که چگونه جرات کرده ام استناد را هم مقام هم ترا با استطاعت قرار دهم زیرا در سندج مقام اول را مقام استطاعت و پول عبادت یعنی اگر کسی پولدار مسئول باشد و او اینکه در شعور و فهم هم صفر باشد برای او مقام و منزلتی قابل شده نامش را بسا احترام ذکر و جایش را بر روی دیدگان قرار میدهند . غافل از اینکه مرد دولت منعی که از فهم و شعور عاری باشد جز سر براری بر این جامعه چیزی نیست و از وجودش جز ضرر چیزی عاید نمی شود . من دوست دارم بپرسم احترام بگذارم ولی بپرس بیزان لیات و میزانی که برای جامعه مفید باشد من به پول دار بی رویی خاصیت اهیتی ندیدم پول داری که نقش به جامعه رسد پولداری که وجودش اسباب زحمت و عقب ماندگی مردم باشد در نظر من انگلی است برای جامعه

غیه از صفحه ۱ آمد میکند مطالبی بی رسم و اطلاعاتی بدست پیاروم و امروز با اجازه شانکنه ای از مجبوعه این اطلاعات را برای خوانندگان نامه شریفه کوهستان مورد بحث قرار میدهند تا اگر شاهم موافق دیدید امر بدرج فرمایند .

سندج امروز و سندج

چند سال پیش

میکوبم سندج ، زیرا حیف است نام کردستان را با هرج اوضاع سندج خراب کرده مفاخر کردستان را با آن لکه دار نمایم ، همین سندج که من امروز غیبات دارم از اینکه تحت نام کردستان شرحش دهم در ایام گذشته شهر خوب مرکز تجارت ، مسکن مردمان جوانمرد و شجاع با احساسات مهربان نواز و شام منا مردی بوده که مناسفانه امروز جز آثاری که در شرف انهدام است چیزی از آن باقی نمانده است ، من در اینجا از ظاهر شهر ، از خرابه های آن ، از کثافت از عقب مانده گی وغیره وغیره بچینی نمی کنم زیرا نام این اوضاع از ازیاده فکر و عیل ساکنین آن میدانم ، اگر مردمان هجر افکاری میداشتند هجر از انکار سکنه فعلی آن قطعا شهر هم بصورتی میبود غیر از صورت معمولی .

اگر مردم به دین و ایمان مانده قدیم علائقت می بودند مسجد آجاسر و صورتی میداشت و موقوفات آن لوطی خور نمی شد . اگر مردم به تمدن جدید علافتند می بودند اصناف جدید در این شهر رسوخ میکرد . اگر مردم قدری باشد نگهداری صنایع قدیمه بودند اصناف عالی باقی آن از میان نبرفت . اگر مردم بطرف تجدید مبرفتند اغلاهر مسووتر ساختمان ها زیبا تر و شرایط زندگی گامی مساعدتر میشد . اگر مردم قدری دارای سعادت می بودند اینها تغییر در ماده و در شهر دیده میشد .

اگر مردم قدری حس و تشخیص می داشتند بازار و تجارت را مفتی شید و از خدا ترس در دست نیبگرفتند و هزینه زندگی بحال فعلی نبود و ... و هزاران اگر دیگر پس باین اگر جامعه که بایستام مسئول خرابی اوضاع این شهر را که مرکز شهرستان سندج است و روزی این شهرستان کردستان نام داشته سکنه آن دانست .

سندج دوز بروز رو به تنزل است و با آن نام کردستان کوچک میشود ، عدم لیات اداره سندج است که سفر و باه را با هم شهرستان از آن جدا می کند مستی و روغون سندج است که مهاباد مترقی نام کردستان را بر خود میکشاند و سندج از بردن نام کردستان بیم دارد .

من در نتیجه تحقیقات خود ۱۹۰۰ این اصل رسیده ام که مردم سندج همه یک میزان مفسر و مسئول این بدبختی ها نیستند ، مهم مسئولیت هر فرد را باید متناسب با استطاعت و استطاعت او دانست

ریاست محترم دانشگاه توجه فرمایند

با جدیت مفسوس چه در تهران چه در کردستان علافتندان به پیشرفت امور فرهنگی میکوشند که از طرفی مردم را تشویق به توجه به فرهنگ نموده و از طرفی هم کارمندان فرهنگ را ترغیب به کار و خدمت نمایند .

یکی از مشکلاتی که امروز کردستان با آن دست بگریان است کسی دبیر میباشد وزارت فرهنگ هم با حسن نیتی که دارد موفق نمی شود کارودیران کردستان را تکمیل نماید تنها میدانم است که دانشجویان دانشگاه که در شعب مختلف مشغول تحصیل هستند تشویق گردند که پس از خاتمه تحصیل بشت های دبیری کردستان را قبول نموده در آنجا مشغول خدمت گردند .

فلا در شعب مختلف دانشسرای عالی چند نفر دانشجویی کرد پیش نه داریم که مناسفانه غیر از یکی دو نفر که خدمت دانشسرا را تعقیب مینمایند دیگران در شعب آزاد نام نویسی و تحصیل میکنند در نتیجه تشویق بخدمت چند نفر از این جوانان بر شور حاضر شده اند که از شعب آزاد دست کشیده تحصیل خود را در شعب دانشسرا ادامه دهند مناسفانه ضربه میشود که با این تئیسر شبهه دانشگاه روی موافق نشان نموده چون اساس دانشگاه بر توسعه فرهنگ است و توسعه فرهنگ هم با ازدیاد دبیر عالی است از ریاست محترم دانشگاه انتظار داریم که تنها این اشکال را رفع نموده بلکه در تشویق دانشجویان کرد به تعقیب شعب دانشسرا به فرهنگ کردستان کمک نموده ما را رهبر تشکر نمایند .

تقاضای پزشگیاران استان هفتم

مقام معظم جناب اشرف آقای نخست وزیر

محترما عرض میسرماند . بانوجه به قانون خدمتگذاری پزشکان شماره ۲۲۹۹ مصوب ۱۸ / ۵ / ۳۱ رتبه - پزشگیاری را به شش پایه معدود و فاصله هر پایه با پایه بالاتر سه سال تعیین نمود و از طرفی قانون استخدام کشوری خدمت اداری را تا پایه ۴ تعیین و فاصله ارتقاء را به پایه بالا دو سال تعیین و مقرراتش در صورتیکه خدمت پزشگیاری با در نظر گرفتن جنبه فنی و عقلی مقدس بایستی پاداش این خدمتک بسا خدمات اداری رجحان داشته باشد زیرا خدمات موثر مخصوص بانرا در این طبقه که تماس نزدیک و با میکربهای خطرناک کاری و جابجایی در راه انجام وظیفه و سرو گرداگداشتن با بیمار بپای واگیر دار (دامی) و بیابان گردی دائم و مسافرت در دهات و نقاطیکه گشت پای مامورین اداری بان سامان برسد داشته و هزاران نوع خدمات طانت فرسای دیگر که تا همین بهداشت عمومی افسراد کشور وابسته بآلست دارا بوده بسا اینحال مزایای خدمت اداری برخدمت پزشگیاری جز عدم توجه اولیای امور دولت در موقع تصویب این قانون که منجر به پایمال شدن حقوق حقه و قانونی بکنده خدمت گذارمیل کشور است تمیزی نمی توان نمود و هر مقام صلاحیتدار با مختصر توجهی این داد خواست و ظلم فاحش که به طبیفه پزشگیاران شده گواهی خواهد نمود

بنابراین تضاتت جامعه این است که مسئول واقعی دست اخیرند ولی من میخواهم این مسئولیت را تقسیم شده بین دودسته فوق الاکر بدانم زیرا اگر سستی و روغون مانع از دست بکار بردن اقویاست همان سستی و روغون هم در دست مستعدین موجود است که نتوانستند بوجه قابل ملاحظه ای دو افکار کهنه دست دیگر روغون کرده فکر قدیمی آنها را تغییر داده قدمی بسوی تعهد راهنمایی کنند .

از این جهت است که من مسئول تمام بدبختی های شهرستان سندج را این دو دسته میدانم و امیدوارم از این مطالبی که امروز برای درج در نامه شریفه کوهستان نوشته ام سه تیب سرمایه دار رنجیده مرا از تیب مخالف خود پندارد و نه تیب روشنفکر مرا حامی سرمایه دار بخواند بلکه هر دو دست خوب فکر کنند ، صلاح خود و جامعه را در نظر بگیرند و تصمیم شوند که یکی از نیروی دیگری استفاده نموده برادرانه دست بدست هم بدهند

دسته ای پولدار بیکار اندازد و دسته دیگر با نیروی فکری و استعداد که کند و این پرده های سنگین جهل و فقر بدبختی را برداشته پیش از این کردستان را بسوی گم نامی و سرفراکتگی سوق دهند .

غله سوراخ دعا را هم کرده

بطوریکه از کردستان اطلاع می رسد اداره غله هوارسی را که برای نیشاپور تعیین شده دستور امرای آن در آن محل صادر گردیده مشغول است بقرار تنی ۴۴ ریال از کردستان بگیرد گمان نبرود غله اشتباه باین بزرگی بنهاده شاید خواسته قدری خوشی کند و باجنین ولایتی و اجنین شهر و غیره بگوید اگر خیال پیشهاد وضع هوارسی دارد اشکالی ندارد بنویسید مرکز هم تقویت میکند ما هم میگیریم مردم هم قدری راضی میشوند .

حال نیندایم با این خوشی اداره غله دیگر پیشهاد و هوارسی میل خواهد رسید با همچنان در اول وصف آن باید ماند .

بنابراین از اولیای امور دولت مخصوصا جناب اشرف آقای نخست وزیر که هم خود را در رفاه و آسایش عموم اهالی مصروف میدارند استعدا دارم هر چه زودتر برای اصلاح این قانون در خدمات پزشگیاری اقدام و چنانچه مزیتی برای خدمات پزشگیاری بر خدمات اداری قابل نیتوان شد اطلا این خدمات را با خدمات اداری برابر دانسته پایه پزشک باری که تا پایه شش معدود است تسا پایه ترقی و مانند خدمات اداری فاصله ترفیح هر پایه را دو سال تعیین و تصویب فرمایند که موجبات دلگرمی این طبقه زحمتکش فراهم و با آسودگی خیال بانجام امور محول مشغول باشند از طرف کلبه پزشگیاران دامپزشکی استان هفتم صدراالدین کشمیری

کوهستان

بنام آقای محمد امین هوشند

گذار ماهه بیا با عشق خواهد بود
کیا است مرد که با ما مسرف دارد (۱)

از سفر

سر دوراهی

از سعادت تا بدبختی یکقدم است

ما بملت های مختلفی از قبیل حسد و فحاشی و بیوادی کلاهمان پس سرگه است اما تا کتون محرومیت ها رونج ها و ناکامیها و نلذوبهای بسیاری دیده و مانند دوزخها به شکنجه عادت کرده ایم گناه ما نیز همان فحاشی و بیوادی است حق و عدالت در محیط ما امری محال و قانون و مساوات همان است که طفیلی ها و متصدیان بیسواد امور اجتماعی ما برای ما قائل شده اند هنوز هم در شهر و دیار ما انتقاد از حلیات یک مأمور خدا شناسی تا صالح جرم است ، هنوز هم مردک طباع وی سوادگی که احیاناً رفته از کارهای دولتی را بدست داشته باشد به مختصر بیانه وبدون هیچگونه مستکی آنکه را که در سر کوچک و بازار مانند سایر مشقین و مگسان دور هیرنی برایش گزشت و مطمطم نگردد است ؛ بکنج زندان میفرستد .

فراک و اکتوسی اورینگانه علامت شخصیتش بود کرده و پرسیده بود این کیست ؟ گفتم بودند نایبند مجلس است ، شاه سری تکلان داده وقت بود . در دوره که شاه یاهه نایبندگان سروکار داشت هنوز آقای نایبند ما را دیده و شناخته بود .

ما مردم سفر که باید مدت دیگر نایبند حقیقی خود را تعیین کرده و او را برای احقاق حق خود بجهنم پارلمان بفرستیم باید از هم اکنون هوشیار و بیدار باشیم ، باید تکالیف حقیقت بین و بدون اغراض و مقاصد شخصی نایبند حقیقی خود را انتخاب کنیم .
با تضمینی که شخص نخست وزیر از عدم نفوذ اشخاصی در انتخابات گرفته دیگر جای هیچگونه شبهه و درنگ نیست نایبند که بتواند در ضمن پارلمان مداخله ما باشد ، نایبند که شجاعت همت و درایت داشته باشد ، نایبند که مراتب محرومیت ما را از سلطون اجناسی و قانونی بسع متصدیان امور رسانیده و اجرای نظریات اصلاح طلبانه خود را جدا از پیشگاه دولت بخواند . نایبند حقیقی ما است ، حالا هر که شجاعت و جرات دارد هر که بدوستی میتواند از اغراض شخصی برکنار بوده و تحت نفوذ دیگران قرار نگیرد .

هر که می تواند نوائص کلی

ما را از بهداشت ؛ فرهنگ ؛

شهرداری امنیت روحی ؛ و کلیه

محرومیتها و ناکامیهای ما را

ترمیم و اصلاح کند قدم پیش

گذارد تا ما با دادن آراء کامل

کس زمان بتهران بدرقه

کنیم

کلیه کسبیکه بخواید بدون توجه

به نیابت عمومی ما با انتخاب جوامعی

نایبند ما بشود علاوه بر شکست و اضلال

پیشانی و سرشکستگی وادبار است .

آقایان کاندیدا ؛ درست و اهرای

تخصیص دهید اگر مدافع و خدمتگذار

ما خواهید بود مردانه قدم پیش نهد .

وای بحال کسبیکه ندانسته قدم در

ایزراه نهد و در سر دو راهی ، راهی

که ساخته نیابت انکار عمومی و وراهی

را که ساخته وعده و وعده بیگانگان

است ؛ دچار غیظ و اشتیاق شود .

آبرون یکساله داخله - ۲۰۰۰ ریال
تکروشی داخله ۴ ریال
خارج ۲۰۰ ریال
خارج ۵ ریال
جای اداره خیابان فردوسی رو بروی باژک ملی تلفن ۶۶۵۷

بهبتر این است جناب آقای وزیر دادگستری توجه فرمائید

هفته پیش مختصر تذکری در خصوص برکنار نمودن آقای مشیری به وزارت دادگستری دادیم و اظهار داشتیم که این ضرور روشن فکران کرد مقیم تهران را منکسر بوده و از وزارت دادگستری جدا شودیم نسبت باین موضوع تصمیمی اتخاذ ننموده و با علت برکناری ایشان را امری روشن شدن افکار عمومی اعلام فرمائید . تا این ساعت از وزارت دادگستری اطلاعی رسیده ولی در این دقایق که ساعات روزنامه بست شده شرحی بامضای عدله زبانی از روشن فکران و محترمین کرد مقیم تهران واصل شده که از اتمام به برکناری اشعار تاسف توأم با گناه بوده و از جناب اشرف آقای نخست وزیر و جناب آقای وزیر دادگستری خواسته اند که باین موضوع توجه فرمائید با کمال تاسف از اینکه دیر واصل شدن این نامه با اجازه نداد که عین آن را در این شماره چاپ کنیم لازم میدانیم توجه جناب آقای وزیر دادگستری را مجددا جلب نموده و انتظار داریم تا هفته آینده تکلیف این کار روشن گردد زیرا روشن فکران کرده مسئله جدا این موضوع را تعقیب نمایند .

پست و تلگراف در

مربیان داپوشد

گزارش تنگنالی نایبند کی نامه کوهستان از مریوان حاکی است که بالاخره پس از مدتها انتظار پست و تلگراف مریوان وایر و شروع بکنار بود .

اگر برف و باران و اسداد راه بگذارد کم کم مریوان با سایر نقاط کشور مربوط شد و راه که الله صدمدش از اوضاع عمومی دنیای ایران مستحضر خواهد شد .

با دایر کین پست و تلگراف مردم کم کم خواهند توانست شکایات خود را بسع اولیای امور رسانیده ، نسبت بظلم و تعدی کسب شکن و اهالی بی روجه مأمورین مطاع و نایبند جدا اعتراض نمایند ولی یک چیز را باید پیش بینی بود و آن این است که به کرات دیده شده که در جاهای دور افتاده و بخش هایی مانند مریوان و امثال آن که مثلا نقطه دارای یک فرمان روی مطلق است اغلب رئیس پست و تلگراف تحت تاثیر قرار گرفته ملائیل ازایشه یک تلگراف رسیده و اباحتش بنده و بانک تلگراف را مخایره کند متعجب آرا بسا برای خوش آیند حضرت فرمانروا و بنا از ترس با پوش سازی او برخش میرساند و باین ترتیب امانتی در دستگاه تلگرافی خانه وجود نخواهد داشت و با شناختن مختلفه مراسلات و پاکت های مردم برباز و سانسور میشوند .

با اوضاعی که در مریوان حکمفرما است هیچ بجه نیست از اینکه بنوان حکومت نظامی پاکت های مردم برباز کنند و حتی برای مردم هم مزاحمت هایی فراهم نمایند .

اینها از لحاظ پیش بینی است که مردم دچار زحمت نشوند و الا چون ما هنوز نهادیم مسئول پست و تلگراف مریوان کیست نمیتوانیم بگوئیم که واقعا چنین چیزی اتفاق افتاده ولی فقط تذکر آرا لازم دانستیم که اولاً مسئول پست و تلگراف آجا متوجه باشد که ما هم متوجهیم و البته اقدامی نشود که سر

جناب آقای وزیر بهداری توجه

فرمائید

بجزریکه خوانده کان اطلاع دارم از چندی پیش راجع به رفع نوائص بهداری اقداماتی شروع شده و چندی قبل وزارت بهداری در صیحه مساعی و جهت های آقای دکتر عبدالعزیز اودلان یک دستگاه کامل لوازم جراحی بکردستان ارسال داشت .

ما ضمن اعلام این خبر لازم میدانیم از حسن نیت و توجه وزارت بهداری اظهار امتنان نموده و پیوسته تقاضای اهالی نظر جناب آقای وزیر بهداری را که در حدود توانائی همیشه نسبت بکردستان توجه داشته اند به لزوم اعزام یک جراح آزموده جلب و بسع اداره بهداری کردستان هم یاد آوری کنیم که این اثاثیه که با زحمات زیاد تهیه و ارسال شده است نباید تا موقعی که جراح بهداری کردستان اعزام شده مورد استفاده قرار گیرد زیرا داروهای سابقین یاد کارهای نظمی از خود جداگانه اند که هیچکس مایل نیست نظهر آرا در مورد این اثاثیه هم مشاهده نماید .

و همچنین لازم است توجه وزارت بهداری را به نقل و انتقالات و خانه خدمت های اخیر بهداری کردستان جلب و مخصوصا برای نحوه انتقال پزشک و جراح و وسایل را یاد آوری کنیم مشارالیه بیاس زحمانی که در سواره با مالازبا تمت و ستور آقای دکتر و کپل محتفل شده اکنون به خطه دیگر منتقل گردیده است و همچنین آله کوب شریفی بدون دلیل از کار بربکنار شده البته اشکونه اقدامات سوارت بشنبنده موجب دل سردی کارمندان میشوند .

ما توجه وزارت بهداری را باین دو موضوع جلب و انتظار جبران داریم

و صدای مردم بلند گردد و دولتمانی فرمائند پاکت های مریوان هم مراتب ایشان را بیکر باز دیده کافه های مردم بپانده از زیرا باز دیده کافه و سانسور پاکت هم جلوه شکایات مردم را نخواهد گرفت .